

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



**د مولانا سعيد افغاني د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان**

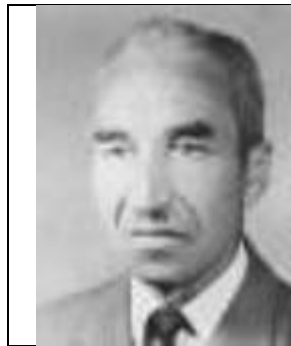
**www.said-afghani.org**

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعيد افغاني : آزاده ، ټولنيزه ، علمي ، فرهنگي او نشراتي ارگان ته بڼه راغلاست!



## شاد روان استاد علي اصغر « پشپير هروي »

تاريخ نشر : 14 اکتوبر 2019 م



# حكايت 281

دفتر صوفي كتاب و حرف نيست  
جز دل اسپيد همچون برف نيست  
زاد دانشمند آثار قلم  
زاد صوفي چيست انوار قدم

«مولانا جلال الدين»

## قریحهء ممتاز

سعيد خان قريشي که از شعرای معروف دربار شاه جهان « ۱۰۳۷-۱۰۶۹ » بود و در هند میزیست ، هنگامیکه شاهزاده مراد بخش از جانب شاه جهان ، حاکم احمد آباد گجرات شد « سنه ۱۰۶۸ » در ردیف همراهان موکب شاهزاده به احمد آباد رفت .

در یکی از روزهای عید که دربار سلام تشکیل یافته بود ، سعید خان نیز در آنجا حضور یافته بود و بدون اینکه متوجه باشد که باید بمناسبت روز عید، چیزی بسراید نزدیک شهزاده نشسته بود ، ناگهان شاهزاده با و خطاب کرد که:

### چیزی گفته ای ؟

سعید خان که بغفلت خود پی برده بود جواب داد :

بلی ، غزلی گفته ام بعرض میرسانم . آنگاه از جا برخاست و کاغذ سفیدی از جیب بیرون آورد و در حالیکه بطرف آن نگاه میکرد این غزل را قرائت نمود :

روز عید است ، لب خشک می آلود کنید  
چارهء کار خود ای تشنه لبان زود کنید  
شربت حب نبات لب جانبخش ایاز  
نوشید از وی دل خستهء محمود کنید

دیرگاهیست که از دیرمغان دورترم  
زود باشید ، بکف جام می ، آلود کنید  
حرف بی صرفهء و اعظنتوان کرد بگوش  
گوش بر زمزمهء چنگ و نی وعود کنید

هست بهبود شما بندگی شاه مراد  
بهتر آنست که اندیشهء بهبود کنید  
بدرش یافت ره از طالع مسعود ، سعید  
سعی در یافتن طالع مسعود کنید

بعد از قرائت اشعار شاهزاده از او سواد غزل را خواست ، سعید خان کاغذ سپید را تقدیم کرد و شاهزاده و حاضران را از بدیهه گویی خویش متعجب ساخت.

\*\*\*

سلسله این حکایات جالب و خواندنی ادامه دارد...

ناشر :

سایت وزین 24 ساعت

موسس و مسوول :

محمد مهدی « بشیر »

[www.24sahat.com](http://www.24sahat.com)

بازگشت به صفحه اصلی - [www.said-afghani.org](http://www.said-afghani.org)